

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

سایه‌های ترس در اقلیم کوهستانی کشور عزیز ما افغانستان عدم موجودیت تغییرکلان در معادله سیاسی میهن افغان‌ها خروج همراه با رسوایی امریکا تمام ماجرا نیست

جبهه‌درگیری‌ها در کشور ما مدیریت منطقه‌یی دارد
پایگاه مناسب بمنظور پشتیبانی از گروه‌های سیاسی
ظاهر شدن در قامت یک رقیب مستقل و تمام عیار
کی می‌تواند وارد میدان جنگ شود؟

اصل "عدم مداخله" در امور داخلی کشورها، بمنظور یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود که بموجب آن، همه کشورها از مداخله در امور داخلی یکدیگر منع شده‌اند. رعایت اصول مذکور، موجب حفظ حاکمیت و استقلال کشورها و در نتیجه، ضامن صلح و امنیت بین‌المللی پذیرفته شده است. واضعان منشور سازمان ملل سعی نمودند که با تکیه بر اصل "عدم توسل به زور"، دولت‌ها را از مداخله در امور داخلی یکدیگر بازدارند. واگذاری مسؤلیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با اعضای دائمی شورای امنیت موجباتی را بمنظور مداخله این سازمان در امور داخلی کشورها در موارد خاصی فراهم آورد تا جامعه بین‌المللی در خلال جنگ سرد تلاش نمود کاصل "عدم مداخله" را تا حدودی رعایت نماید. پس از فروپاشی شوروی، با تفسیر گسترده از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، "صلح داخلی" را با "صلح بین‌المللی" مرتبط دانست و بدین ترتیب، نسبت بر خدادهایی چون نقض حقوق بشر و فجایع انسانی در قلمرو دولت‌ها احساس تکلیف و مسؤلیت ننموده و اقدام به مداخله نظامی در کشور ناقض حقوق انسانی نمود. باین ترتیب، اصل "عدم مداخله" تا حدودی تضعیف گردید. پس از وقایع ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل خود را در قبال مسائلی چون "مبارزه علیه تروریزم بین‌المللی" و ممانعت از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی مسؤل دانست و در مقام یک مرجع قانونگذار بین‌المللی، با تصویب دستورالعمل‌های عام برای کشورهای وارد قلمرو داخلی آنها گردید.

در نیشته حاضر، قبل از همه بایست متذکر گردید که پاسخ باین پرسش تا هنوز کاملن واضح و مشخص نمی‌باشد که بحران ایجاد شده توسط ایالات متحده و شرکایش در کشور عزیز ما افغانستان، از نقطه نظر امنیتی بویژه برای آسیا چه پیامدهایی را بدنبال خواهد داشت. در مورد یادشده همینقدر می‌توان گفت که خروج و فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور عزیز ما افغانستان، منجر بیک بحران جدید شده و بگونه مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت منطقوی و جهانی اثرگذار پنداشته می‌شود. همچنان بخاطر ما باشد که تحمیل دموکراسی امریکایی بر پیکر نیمه جان افغانستان، نیز بگونه کلی به بن بست مواجه گردید. این واقعیت مبرم و واضح را نباید از نظر دور نگه داشت که در حقیقت امر، دور کنونی بحران موجود در کشور عزیز ما نتیجه مستقیم تلاش‌های غیرمسئولانه خارجی‌ها بمنظور تحمیل ارزشهای بیگانگان، فشارهای بیرونی، میل و علاقمندی به تطبیق عملی طرح‌های موردنظر، عدم توجه بتاریخ و ویژگی‌های ملی و سنتی حیات اجتماعی شهروندان کشور ما، اجرای عملی برنامه‌های مهندسی شده اجتماعی - اقتصادی و ایجاد باصطلاح "ساختارهای دموکراتیک" در کشور ما بشمار می‌آید. در نهایت امر، همه موارد گفته آمده به بی‌ثباتی وضعیت اجتماعی - سیاسی و در نتیجه بهرج و مرج در کشور عزیز ما منتهی گردید، اما پس از آن، مبتکرین آزمایش‌های

مطرح شده، همه با عجله و شتاب عقب نشینی نموده و همقطاران شان را بسرنوشت خودشان رها نمودند. جامعه جهانی بایست عواقب عملکردهای اینچنینی را آشکار نماید.

بخاطر باید آورد که پس از آنکه کشور عزیز ما افغانستان بمثابه پُل عبوری بجانب آسیای مرکزی و بدلیل هم مرز بودن با چین و ایران که بمثابه رقبای ایالات متحده پنداشته می شدند، مورد توجه واشنگتن قرار گرفته و در صدد آن شد تا به تطبیق و اجرای عملی برنامه های ژئوپولیتیکي اش مبادرت ورزیده و در نخستین گام در مورد یاد شده بایجاد پایگاه های نظامی در قریزستان و ازبکستان متوسل گردید که از آن طریق انتقال وسایل و تجهیزات مورد ضرورت نظامیان امریکایی موجود در کشور ما تأمین می گردید. اما واشنگتن از نداشتن و عدم موجودیت برنامه مشخصی بمنظور عادی سازی اوضاع در کشور ما در رنج و عذاب دست و پا می زد. نقاط نظر و طرز نگاه بخش های مختلف اداره واشنگتن در مورد یاد شده بگونه واحدی تنظیم نگردیده بود. بدین ترتیب وزارت امور خارجه ایالات متحده بر رهبری کولن پاول باین باور بود که بایست نیروهای حافظ صلح با افغانستان گسیل گردیده تا امنیت کابل و برخی از مناطق اطراف آنرا تحت مراقبت قرار داده و امنیت سراسری در کشور را تأمین و بر آن نظارت نمایند، اما وزارت دفاع آن کشور بر رهبری دونالد رامزفلد مخالف حضور نظامیان امریکایی در مناطق و محلات خارج از کابل بوده و متیقن بودند تا افغان ها خود باید امنیت کشورشان را تأمین و حفظ نمایند.

پنتاگون بیش از همه و قبل از سایر موارد، به وارد نمودن ضرباتی بر مجموعه "القاعده" علاقمند بود تا ایجاد و تقویه ساختارهای دولتی در کشور ما. پس از انجام گفتگوها و جرو بحث هایی در مورد یاد شده، در امتداد سال ۱۳۸۱ فیصله بعمل آمد تا به گزینه سهمگیری حداقل نظامیان امریکایی در مسایل افغانی ارجحیت قایل گردند. بر این بنیاد، ایجاد و تشیکل قوت های امنیتی ۸۰ هزار نفری افغان آغاز گردید. ستراتیژیست های امریکایی معتقد بودند که در امتداد پنج سال موفق بایجاد اردوی ملی مجهز به توانایی های رزمی و جنگی خواهند گردید.

در این مقطع بحث، تذکر این مسأله لازمی پنداشته میشود که در نهایت امر، کاخ سپید متقاعد شده است ک اقدام بخروج نظامیان امریکایی از افغانستان، تصمیم و عملکرد درستی بوده است. همچنان در اداره واشنگتن از جانب جان کربی هم آهنگ کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سپید ادعا می گردد که با استفاده از چنین فرصتی (فراخوا ندن نظامیان امریکایی از افغانستان)، بایالات متحده این امکان مساعد می گردد تا با بحران اکرانین کنار بیاید. بر بنیاد اظهارات نامبرده، بررسی داده ها در مورد چگونگی وضعیت و نحوه فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان توسط شعبه ها و ادارات مربوط به وزارت دفاع آن کشور، هم به مجلس نمایندگان و هم به مجلس سنا ارائه گردیده است. نامبرده همچنان ادامه داده افزود که در آینده نزدیک باز هم گزارش هایی در مورد بررسی داده های یاد شده به نشرخوا هد رسید. در کنار مطالب گفته آمده، وی همچنان خاطر نشان نمود که تصمیم باین مبنی بر قطع جنگ و در گیری های مسلحانه در افغانستان بجا بوده و برای واشنگتن فرصت مناسبی را بمنظور تمرکز بیشتر بر مسایل و قضایای مربوط باکرانین، تأمین و حفظ امنیت جهانی و چگونگی رقابت با چین، کشوری که بیش از این جاگزین آغاز و تداوم جنگ و درگیری در کشور ما نمی باشد، فراهم و مهیا نماید. کربی همچنان اظهار نمود ک ایالات متحده در نظر دارد تا تجربیات حاصله از جنگ و درگیری در افغانستان را بمنظور آمادگی در امر مقابله با بدترین سناریوها در مجموعه کار زار اکرانین بکار بندد.

اما در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی از سرزمین کشور عزیز ما افغانستان، این مسأله قابل تذکر پنداشته می شود ک اداره قبلی واشنگتن بر رهبری دونالد ترامپ و "طالب" ها بتاريخ ۱۰ ماه حوت سال ۱۳۹۸ توافقنامه صلحی را در دوحه امضا نمودند که بر بنیاد آن فیصله بعمل آمد تا نظامیان ایالات متحده و هم پیمانانش در امتداد ۱۴ ماه سرزمین کشور ما را ترک نموده و در مقابل، "طالب" ها تضمین نمودند تا اراضی افغانستان علیه منافع ایالات متحده و هم پیما نان آن کشور مورد استفاده قرار نگیرد.

بایدن بتاريخ ۲۵ ماه حمل سال ۱۴۰۰ خورشیدی، از تصمیمش مبنی بر فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما و ختم طولانی ترین عملیات نظامی و جنگی کشورش که اداره واشنگتن بر رهبری جورج دبلیو بوش بسال ۱۳۸۰ خورشیدی مطابق سال ۲۰۰۱ ترسایمی آغاز نموده بود خبر داد. در امتداد زمانی سال های ۱۳۸۹ - ۱۳۹۳ که بمثابه نقطه عطف و اوج درگیری های مسلحانه در کشور ما پنداشته می شود، تعداد مجموعی نظامیان غربی در کشور به ۱۵۰ هزار تن بالغ می گردید. فراخواندن نظامیان امریکایی در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی آغاز گردید. همچنان بخش های عمده جنگی ایالات متحده و ناتو در امتداد سال ۱۳۹۳ از کشور ما فراخوانده شده بودند. اما قابل یاد دهانی پنداشته می شود که بویژه در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، پس از اعلام تصمیم ایالات متحده مبنی بر ختم عملیات جنگی و فراخواندن

نظامیان آنکشور از افغانستان، "طالب"ها، بیش از هر زمان دیگر به تشدید عملیات شان مبادرت ورزیدند. بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰، اشرف غنی رئیس جمهور کشور، افغانستان را ترک و بخارج ازکشور فرار نمود. در نتیجه، "طالب"ها بدون درگیری وارد کاخ ریاست جمهوری گردیدند. بایست متذکر گردید که نظامیان ایالات متحده در آغاز ماه سنبله سال ۱۴۰۰ خورشیدی بگونه کاملی، افغانستان را ترک نموده و بموجودیت و حضور ۲۰ ساله شان در کشور ما نقطه پایان گذاشتند.

مقامات کاخ سپید مدعی اند که در حال حاضر، موقعیت ستراتیژیک ایالات متحده بیش از هر موقع دیگر قوی تر و مستحکم تر گردیده، از توانایی بیشتری بمنظور حمایت بیشتر از اکراین و انجام تعهدات امنیتی ایالات متحده در سراسر جهان برخوردار بوده و با چین در حال رقابت می باشد. بر بنیاد اظهارات مقامات یاد شده، اداره های مربوطه در کاخ سپید، بگونه کامل و همه جانبه، بررسی هایی انجام داده و پس از آن بخروج نظامیان امریکایی و فراخواندن آنها از سرزمین افغانستان تصمیم اتخاذ نموده و در زمینه، نتیجه گیری های شان را ضمن گزارشی به کمیته های مربوط مجلس سنا و مجلس نمایندگان آن کشور ارائه نمودند.

با فراخواندن نظامیان امریکایی بکشورشان که با کشته شدن ۲۴۶۱ تن و مجروح گردیدن بیشتر از ۲۰ هزار تن از نظامیان یاد شده همراه گردید، بلاخره در امتداد ماه اسد سال ۱۴۰۰، با فراخواندن نظامیان امریکایی، به موجودیت نظامیان یاد شده در سرزمین و اراضی میهن عزیز ما افغانستان، نقطه پایان گذاشته شد.

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری سابق ایالات متحده، نحوه فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان را "لحظه شرم آور" در تاریخ ایالات متحده نامید. نامبرده همچنان یاد آور شد کاداره کنونی واشنگتن با رها نمودن برخی از شهر و ندان آنکشور و بجا گذاشتن تسلیحات و تجهیزات پیشرفته بارزش ۸۵ میلیارد دالر، سرزمین افغانستان را ترک نمود. بر بنیاد اظهارات جو بایدن رئیس جمهوری کنونی ایالات متحده مبنی بر اینکه نظامیان امریکایی، نه بمنظور متحد نمودن افغانستان، بلکه به هدف مبارزه با تروریزم بموجودیت ۲۰ ساله شان تداوم بخشیدند و بگفته نامبرده، اکنون که رسالت یاد شده بانجام رسیده، نظامیان کشورش از افغانستان فراخوانده شدند. نامبرده ادامه داده افزود که فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان، پس از انجام وسیع ترین و بزرگترین عملیات مسلحانه در خارج از مرزهای ایالات متحده، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. دونالد ترامپ رئیس جمهوری قبلی ایالات متحده، بایدن را شخصیت نامطلوب و غیر قابل اعتماد خطاب نمود. نامبرده همچنان بایدن را بدلیل ضررها و زیان های وارده در نتیجه فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان، مورد انتقاد قرار داد. طرفداران و هواخواهان جو بایدن در مجموع، بمنظور انتقاد بردونالد ترامپ، رئیس جمهوری قبلی ایالات متحده، اصل فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان را جزیی از بازی های جدید اطلاعاتی و افتضاح آمیز نامیدند. دونالد ترامپ، شخص جو بایدن رئیس جمهوری کنونی ایالات متحده و در مجموع، کاخ سپید را در امر تسلیمی بدون قید و شرط افغانستان به "طالب"ها مسوول پنداشت. نامبرده همچنان شخص بایدن را مسوول مرگ و بخاک و خون کشانیده شدن سربازان امریکایی حین فراخواندن و عزیمت نظامیان امریکایی از افغانستان نامید. اما با بقدرت رسیدن "طالب"ها در کشور و مشکلات و چشم اندازهای مطرح، بویژه پس از ماه اسد سال پار، تذکر این مسأله شایان توجه پنداشته می شود که رشد و انکشاف قضایا در کشور ما بویژه پس از فراخواندن نظامیان امریکایی بایست با در نظر داشت اهمیت آن مورد بررسی موشگافانه قرار داده شود. نباید فراموش گردد که یکی از مؤلفه های افزایش اهمیت اسلام در سیاست جهانی، بویژه در پایان سده ۲۰، یکی هم رشد و وسعت افراط گرایی اسلامی بود که مقابله با آن بمنابۀ مبرمترین مسأله در مجموعه دنیای مدرن مبدل گردید. لیندسی گرام، با تأکید تذکر بعمل آورد که با فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان که پس از بقدرت رسیدن جو بایدن بمقام ریاست جمهوری ایالات متحده صورت گرفت، بخودی خود راه را بمنظور اجرای عملی عملکرد هایی همانند اقدام های تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویارک هموار می نماید. نامبرده همچنان یاد آور شده اظهار نمود که اداره واشنگتن تحت رهبری بایدن ادعای "طالب"ها مبنی بر عدم موجودیت تروریست های خارجی در افغانستان را دروغ محض پنداشت. در گزارش اداره واشنگتن تذکر بعمل آمده که رسالت و وظیفه تعیین شده آنها در امر مبارزه با تروریزم در افغانستان بانجام رسیده، تمامی گروه های تروریستی قلع و قمع شده اند و... که بر بنیاد مسایل گفته آمده، نظامیان امریکایی سرزمین افغانستان را به هدف ختم و پایان دادن به طولانی ترین جنگ و درگیری مسلحانه آن کشور ترک نمودند.

شنبه ۲۶ ماه حمل سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۱۵ ماه اپریل سال ۲۰۲۳ ترسایی